



بنام کردستان بزرگ

Under Name of Great Kurdistan

دوستان عیب نکنند که چرا دل به تودام!
باید اول به تو گفتن که چنین خوب چرائی؟

کرد

سخنرانی: پروفسور: مینورسکی

سال 1915

مترجم: حبیب اله تابانی

گرد آورنده: سرهنگ چیا

مشاهیر کرد

بحث در باره کردها، بدون سناشایی مردان بزرگ این ملت که به وجودشان افتخار می کنند، نتیجه ای نخواهد داد. مثلاً: سلطان صلاح الدین ایوبی یکی از اولین کرد های بزرگ و از نامداران این قوم است که از سال 1169 میلادی تا پایان قرن سیزدهم بر مصر و سوریه و سرزمین های بین رود دجله و فرات (منطقه مزوپوتامیا) فرمانروا بودند و همین صلاح الدین بود که کاخ فرمانروایی مسیحیان را در قدس (سرزمینی که امروز به نام فلسطین توسط اسراییلی اشغال شده است. مترجم) ویران کرد و و فاتحانه در برابر: ریچارد شیردل، امپراطور انگلیس، و فلیب اگستوس فرانسوی، ایستاد.

از دیگر مشاهیر بزرگ کرد باید از خاندان کرد زندیه که کریم خان زند در سال 1750 میلادی حکومت آن را تاسیس کرد، نام برد. این مرد بزرگ شیراز را مرکز حکومت خود قرار داد و ات سال 1775 میلادی امیری کرد.

در وطن اصلی کردها (کردستان) نیز میتوان از حکومت های خودمختار (مروانی 990 - 1096) و حسنوی (959 - 1015) و اردلان، سلیمانیه، بادینان، رواندوز، حکاری، شمدنیان و بایزید نام برد.

بعضی از این حکومت های محلی هنوز هم (زمان ایراد این سخنرانی) به حکومت خویش ادامه می دهند و در قدرت و اقتدار باقی هستند و این استیلا بصورت مستقیم و صور دیگر اعمال می شود.

در همین احوال در قسمت جنوبی دیاربکر در ((شهر ویراندر)) آغاز قرن حاضر فرمانده یکی از طوایف میلی به نام ابراهیم پاشا، از طرف ترکها حکومت میراند و حتی قسمتی از طوایف عرب را هم زیر نفوذ خویش در آورده بود و بدون این که باج و مالیاتی بپردازد کنترل اوضاع را در دست خویش داشت.

تا اینجا یک بررسی کوتاه در باره " کرد و کورستان" بود، اما عدم وحدت ملی در کل کردستان و صرف نظر از وحدت جغرافیایی آنها و پیوستگی سرزمینشان!؟ در رود و کوه و دره های گسترده و آنهای روان و پرتحرک و سلسله کوههای سربه فلک کشیده، سبب اختلافات سیاسی و پیدایش حالتی ملوک الطوایفی و خان خانی گری در بینشان گشته است، ولی با تمام اینها نیروی آزادگی و آزادیخواهی و حس خودمختاری و عدم وابستگی در آنها بسیار قوی تر است و همین نیروی روحی هم سبب بقاء و حیات کردها بوده و مثل ستونی بر جا و مقاوم در مقابل ناملا-یمات، تکیه گاه آنها بوده و میباشد که این خصیصه را از تاریخ قیام های کردها، مبارزاتشان نیز می توان دریافت و نیز باید هیچگاه این نکته را فراموش نکرد که کردها در منطقه ای که زندگی می کنند و کرده اند، بر شناخت ها و اندیشه کهن خویش متکی بوده اند.

نوشته ای از ((مار)) مورد استفاده ما قرار گرفته است این مطلب را به صورت زیبایی بیان می دارد. وی می گوید: در مورد اثر درک و فهم و فرهنگ قوم کرد در خاورمیانه، بی گمان باید قبول کرد که تا اندازه زیادی معتقدات مذهبی و اعتقادات آینی کردان، سبب وابستگی آنان به سرزمینشان بوده که با معتقدات و اندیشه های مذهبی مسیحیان و مسلمانان در هم آمیخته است.

زبان کردی هم اثر بسیار زیادی بر مردم سایر نقاط بخصوص همسایگان خویش داشته و دارد تا جایی که عده ای از ارامنه تبلیس زبان اصلی خود را از یاد برده

و به زبان کردی صحبت می کنند. و نیز آشوریهای ناحیه کوهستانی، که آوازهها و ترانه های کردی را می خوانند و وقایع ملی کردها را برای هم باز گو می کنند.

زندگی روزمره، رسوم اجتماعی و شخصیت و مقام کرد

کردها به گروههای چادر نشین و یکجانشین (شهر نشین) تقسیم شده و در حین حال با هم زندگی می کنند: (نباید فراموش کرد که امروزه چادر نشینی از بین کردها رخت بر بسته و تقریبا از بین رفته و همه آنها اسکان یافته اند. مترجم).

طبقات چادر نشین در قسمت علیای (مزوپوتامیا سرزمین زاگروس) به سختی زنند. گی می کنند و شیوه زندگی آنها بسیار شبیه زندگی کولیها است.

امروز عده زیادی از کردها حالت نیمه شهری اختیار کرده اند (زمان این سخن رانی) و در زمستان میان دره ها و دامنه ها، در خانه های کاهگلی زندگی میکنند و در نهاران روی مزارع خویش به حیات خویش ادامه می دهند، ضمن اینکه عده ای را هم به نگهداری میگمارند تا همراه با دام و حیوانات خود از کوهستانه بالا روند و خیمهء تابستانی خود را بر پا کنند. (به این کارشان در سلیتانیه هوار Havar می گویند) خیلی وقتها حتی زمستان ها را هم در همان هوارها بسر می برند.

ارامنه که در مسیر این کوچ ها قرار داشتند، مخصوصا در شهر موش زندگی مشقت باری را می گذراندند و تقریبا همیشه در فصل کوچ این قبایل در وحست و اضطراب بسر می بردند.

البته امروز این حالت صورت معکوس پیدا کرده است چنانکه ((لینچ)) کارشناس و متخصص در امور ارمنستان، میگوید: قبایل کرد کوچ نشین بر بلندیهای سلسله جبال ارمنستان برای خود روستایی دارند. این گفته دلیل بر این است که کردها جمعیت زیادی از ارمنستان را تشکیل می دادند و میدهند، بطوریکه در منطقه ای مثل موش هم که از ناحیه ای بزرگ در ارمنستان محسوب می شود، قبایل بزرگ ناحیه، همان آداب و رسوم و عادات اجتماعی را دارند که قبایل اطراف آنها دارند. مثل جاف در شهر زور (البته ریشه قبایل جاف در ایران است).

باید گفت در بین قبایل چادر نشین، آداب و رسوم جالب توجه زیاد است. مثلا اینان

روزها در حرکت اند و شب ها در مناطق مشخصی به سر می برند و باروبنه خود را هم در بلندیهای کوهستان خالی می کنند. در بعضی از این مسیرها شماری از قبایل کرد، به صورت دشمنی سرسخت برای قبایل هم نژاد و هم زبان خود درآمده اند که این مخالفت هم بیشتر در مناطق دور دست و بر سر اختلافات قبیله ای است، حال آنکه قوم کرد همه جزو مجموعه ای از عشایرند و ریشه ای جدا از هم ندارند.

عشایر کرد از دو قسمت تشکیل می شوند :

1- جنگجویان که اینها از بزرگان (آغاها) و نیز اطرافیان و وابستگانشان تشکیل می یابند .

2- زارعین یا رعایا، که اینها تقریباً نیمه برده ای بر روی مزرعه بیش نیستند، اما به صورت متعادل و متوسط پیدایش پیوند این خانوادههای زارع با آگاهایا ارباب یا رئیس عشیره، پیوند پر افتخاری برایشان محسوب می شود، بخصوص اگر جنبه فامیلی داشته باشد که در این صورت جزوی بارز از زندگی آنها خواهد بود .

در بسیاری از موارد دیده می شود که به آغاها طور دیگری نگاه می کنند . حقیقت هم همین است که آغاها، این غاصبین غالب، با رعایا فرق دارند و شخصیت و رفتار و کردارشان کاملاً با رعایا فرق می کند، بطوریکه می توان در یک جمع با یک نگاه آغا و رعیت را از هم تشخیص داد .

آغا توانایی بسیاری در استیلا و غصب اموال رعایا دارد، برای قبول و صحت این رای و نظریه می توان به سوابق تاریخی کردها استناد کرد . اجداد طوایف شکاک بر همین قیاس توانستند بر حیات و ساکنین قدیمی آنها تسلط یابند و برمنطقه (کانی کوتتر) و (سومار) و نواحی دیگر مسلط گردند .

به طور کلی بای گفت که خصوصیات کردها گوناگون است . از یک سو بسیار مشکل است که به انسان شناسی و علائم آن اطمینان داشته باشیم، زیرا در میان کردها هم صورت گرد ارامنه، سامی و عربی، دیده می شود، اما کردها در ناحیه سلیمانیه تقریباً کلیه خصوصیات ایرانی خود را حفظ کرده اند، زیرا اینها دور از گروههای دیگر زیسته اند . نویسنده ارمنی (ابوقیان) از خصوصیات کردها چنین صحبت می

می کند: با یک نگاه می توان کرد را شناخت، مردانگی و قد و بالای پر هیبت و گاه ترسناک، مشخص کننده و معرف وی می باشد. به علاوه سر و صورت بزرگ و براق (آتشین)، ابروان پر پشت و پیشانی بلند و دماغ دراز و برگشته و گامهای سنگین و قدرتمند دارد و بهتر است که گفته شود دارای صفاتی پهلوانان قدیم می باشند.

چیزی که قابل بحث است، این که کردهایی که در غرب ایران و لرستان زندگی می کنند تا امروز تنها قوم چادرنشینی از اقوام هند و اروپایی هستند که به اینصورت باقی مانده اند. . . . ادامه دارد:

زبان، ادبیات و خط

Chia.rabii@yahoo.com

2010-01-07

مالمو سوئید